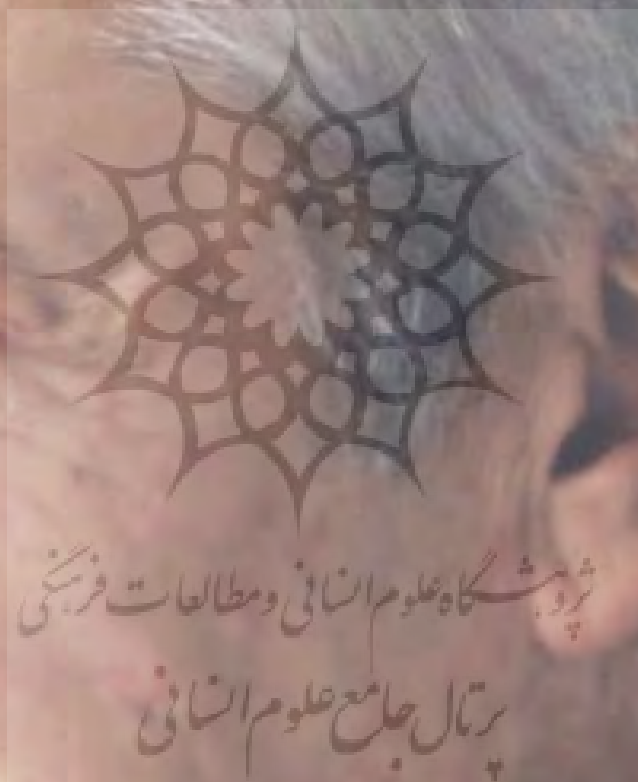


ترجمه متن از فرانسه به
فارسی: فرنوش پورصفوی
poursafavi@gmail.com

ترجمه سوالات از فارسی به
فرانسه: بوبکر سامبو
samboufarsi@yahoo.fr

مصاحبه اختصاصی مجله منظر با خوائو نونش



خوائو نونش در تهران.
عکس: سید محمد باقر
منصوری، ۱۳۹۰



مشخص معماری منظر شکل می‌گیرد و همچنین هویت نظم دهنده آن را شکل می‌دهد. اگر این مکتب وجود داشته باشد، نام آن "معماری منظر" است.

منظر شما در پوستران برای همایش ایفلا^۲ (۲۰۱۱) به فضای حد واسط طبیعت و فضای مصنوع اشاره کرده بودید. اگر این را یک شعار کلی به حساب بیاوریم همه پروژه‌ها همین وضعیت را دارند. چیزی هستند در میانه طبیعت و مصنوع. ویژگی خاص مورد نظر شما برای ساختن فضای حد واسط چه بوده است؟

ما در همایش ایفلا یک فکر جسورانه را در ارتباط با یک پروژه خاص معرفی کردیم: پروژه زندگی شهری میلان^۳. در این پروژه و در شرایط مسابقه، پروژه مربوط به یک مسابقه بود، ما باید طرحی تهیه می‌کردیم که امکان ایجاد یک منطقه حفاظت شده برای ذخایر طبیعی جانوری و گیاهی را فراهم می‌کرد و برای مردم غیرقابل دسترس باشد. در مرکز شهری مثل میلان، این شرایط به نظر ما نامعقول آمد و ما سعی کردیم یک راه‌حل جایگزین پیدا کنیم.



ولی، از همه مهم‌تر، ما در فرضیات شرایط مسابقه که یک وضعیت ذهنی بسیار رایج در روزگار ما را ترسیم می‌کرد، تلاشی را تشخیص دادیم برای تقسیم جهان به فضاهای تغییر پذیر به عنوان فضاهای قربانی و تخریب، و فضاهای محافظت شده، به عنوان فضاهای غیرقابل تغییر و غیرقابل دسترسی برای انسان؛ نفوذناپذیر و غیرقابل انتقال.

این تلاشی دنیا به دو جهان مجزا و متضاد به نظر ما بحث‌برانگیز بود و ما شروع کردیم به مطرح کردن اندیشه‌ای بر پایه ایده همزیستی این فضاها تا آنجا که اصول و ظرفیت‌های منظر بدون تحمیل مرزها و محدوده‌ها اجازه می‌داد.

مطلبی که در ایفلا ارائه شد، از یک سو سعی در به اشتراک گذاشتن این ایده دارد، و از سوی دیگر، تلاش می‌کند تا از فضای معماری منظر که آمیزش مفرطی با رویکردهای محافظه کارانه دارد، رمزگشایی کند.

به نظر ما، منظر یعنی تبدیل و دگرگونی، و کار کردن در حوزه منظر یعنی فهمیدن نیروهای محرکه این دگرگونی و جهت‌دادن آنها در مسیر لازم و به ویژه در حفاظت:

منظر، موفق شدن در تفسیر زمان گذشته و پیشنهاد دادن زمانی برای آینده است. یک معیار، یک ریتم و یک روش مرتبط ساختن زمان‌های مختلف با هم (چیزی زنده و چیزی بی‌تحرك، رشد سریع با رشد آهسته، موقتی و جاودان، مقیاس زندگی انسانی و دیگر مقیاس‌ها، ارزش‌ها و اتلاف‌های زمان). و برای اینها ما چیزی در دست نداریم جز اطلاعاتی که وضع موجود به ما می‌دهد و امکاناتی برای مداخله در اختیار ما می‌گذارد. به نمایش درآوردن منظر، به نمایش درآوردن رابطه‌های مختلف با زمان است.

منظر شما یک دوره پروژه معماری منظر در پرتغال داشتید و پس از آن به اجرای پروژه‌های معماری منظر در سراسر دنیا پرداختید، تفاوت‌ها و نقطه پرش از کارهای معماری منظر ملی به بین‌المللی را چه می‌دانید و آیا اصلاً مرزی بین این دو وجود داشت؟

در واقع تفاوت‌های بزرگی وجود دارد که به خاطر آنها گفتمان منظر در فرهنگ‌ها و تجربه‌های کاری مختلف شکل می‌گیرد. برخی از این تفاوت‌ها که من فرصت شناخت و تجربه آنها را در سال‌های اخیر داشته‌ام به من امکان فهم این موارد را داده است:

الف- قدرت گفتمان در منظر (و من از یک گفتمان معمارانه، نوگرا و پیشنهاددهنده حرف می‌زنم نه بحث‌های محافظه کارانه و مخالف پیشرفت، آن طور که معمولاً با مباحث منظر همراه است) با سلطه فرهنگ معمارانه محض، خام، بسته و فرم‌گرا نسبت عکس دارد، و نظریات معمارانه‌ای که به تقدیس پوچی، پرستش صورت و بی‌معنایی، سطحی‌گرایی در تمام مکانیسم‌های مربوط می‌پردازد.

این می‌تواند مثلاً افت و پس‌رفت منظر در ایتالیا و دشواری‌هایی را توضیح دهد که این کشور در ارتباط با حل مشکلات مختلف در رشد، توسعه و انطباق کاربری‌ها با اراضی در پیش‌رو دارد.

ب- اینکه تأثیرگذاری این گفتمان در فرهنگ نتیجه به واقعیت درآمدن دخالت‌هایی است که این گفتمان از آنها حمایت می‌کند، باید بگوییم که این نفوذ و تأثیر هرگز از طریق یک جریان صنفی انجام نمی‌شود.

منظر شما پروژه‌های مختلفی در مقیاس‌ها و موضوعات مختلفی اجرا کرده‌اید، نقاط مشترک کارهایتان را چه می‌دانید؟ خود را پیرو مکتب خاصی در برخورد با پروژه‌های معماری منظر می‌دانید؟ (یا اصلاً قائل به چنین تفکیکات سبکی و مکتبی در برخورد با معماری منظر هستید؟).

مسلماً نقاط مشترکی وجود دارد: تحقیق درباره تاریخ سایت و کوشش برای پیوند دادن گذشته و آینده در پیوستگی روشن با این تاریخ؛ تلاش برای کار کردن با بودجه‌های کم و بازخوردهای اندک؛ رد آشکار فرم‌گرایی در مداخلات و ظهور «زمان»‌های مختلف در پروژه‌ها از طریق ایجاد فرایندهایی که به جهان‌های زمانی متفاوت مربوط می‌شود.

من از مکتب صحبتی نخواهم کرد. اگر مکتبی هم وجود داشته باشد، آن مکتبی است که از طریق متدلورزی‌های

در دوم سپتامبر ۲۰۱۱ مجله منظر مصاحبه‌ای اینترنتی را به زبان فرانسه با «خوانو نونش» ترتیب داد و نظریات وی درباره مفهوم منظر، رویکردهای او در برخورد با پروژه‌های منظری که هدایت و اجرا کرده است و تجربیاتش در عرصه بین‌المللی (دو پروژه در پرتغال و تاجیکستان) را جویا شد...

منظر تعریف خود از منظر که با تکیه بر آن به طراحی و اجرای پروژه‌های مختلف پرداخته‌اید را توضیح دهید؟ اساساً نقش معماری منظر را در موفقیت پروژه‌های توسعه شهری به چه میزان مهم و تعیین‌کننده می‌دانید؟ و در مقایسه با رویکردهای شهرسازی یا معمارانه به فضا برای معماری منظر در پروژه‌های شهری چه مزیتی قایل هستید؟

مفهوم اساسی که می‌تواند یک ویژگی خاص به پروژه‌هایی ببخشد که من هدایت می‌کنم، و گروه بسیار خوب همکاران من در انجام آنها به من کمک می‌کنند ببخشد، این است که منظر یک ساختن جمعی است، در نتیجه هر یک از مؤلفان در آن باید فروتن باشد و توجه داشته باشد به اینکه سرآغاز این منظر از هزاران سال پیش از زمان ما وجود داشته است.

این یعنی آنچه که ما باید بسازیم چیزی نیست مگر بستر یک ساختار بسیار عمیق‌تر که در آن طبیعت و مهارت، شانس و منطق و موفقیت و شکست در هم می‌آمیزند و به یک میزان باز تولید می‌شوند.

اما در اینجا صحبت از فرم و یا عملکرد نیست، بلکه مسئله، فهم مکانیسم‌های عمل در روند حاضر تحول این ساختار است؛ اینکه چطور بتوانیم این مکانیسم‌ها را برای هدایت موقت و جزئی فضا در طول دوره‌ای از زمان به کار بگیریم، در عین حال که خود را در اختیار آنها قرار می‌دهیم، مفهوم مورد تأکید دیگر اینکه منظر درباره زمان و درباره ظرفیت‌های ممکن و اجتناب‌ناپذیر مابین طبیعت و انسان است. از فوایدی که بدون شک از این مفهوم و این تعریف از منظر حاصل می‌شود، تضعیف برخوردهای خودخواهانه مؤلف است که بیشتر به خلق ابژه‌ها منجر می‌شود که نگهداری آنها در طول زمان به مراتب دشوارتر است، چرا که از کارکردهای موجود جدا هستند.

منظر بر روی زمان و تأثیر آن در طراحی منظر تأکید دارید و در پروژه‌های مختلف کانسبت «منظر همان زمان است» را مورد توجه قرار می‌دهید. این ذهنیت از چه وقت و چگونه در شما شکل گرفت و به این فکر افتادید که پروژه‌های منظر بستر مناسب بیان زمان است؟

این فکر زمانی شروع شد که من فهمیدم در حال انجام چه کاری هستیم. با اولین کارهایی که من در سال‌های ۹۰ انجام دادم تدریجاً روشن شد که زمان در گفتمان منظر همیشه در مرکز قرار داشت. به نمایش درآوردن

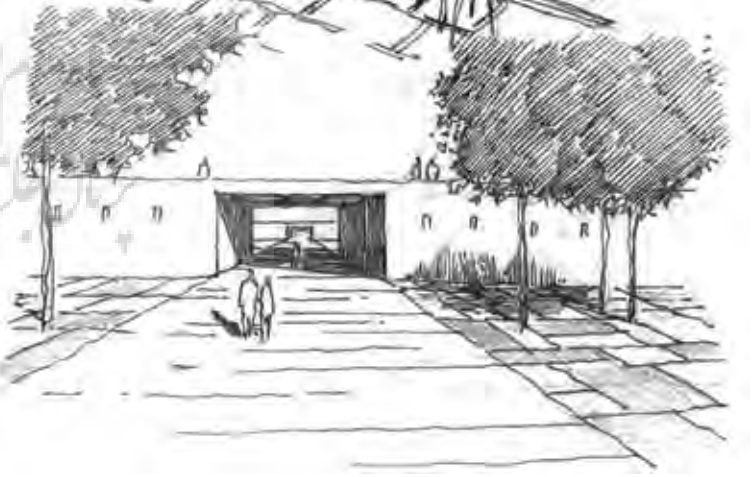
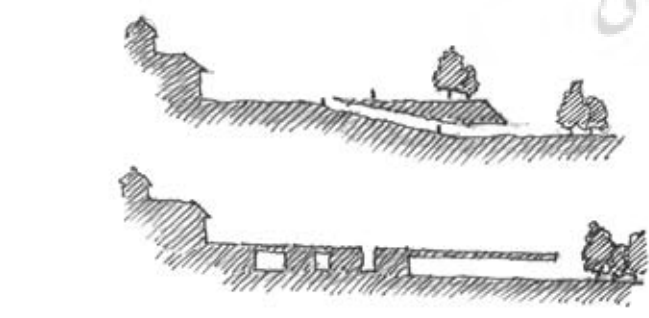
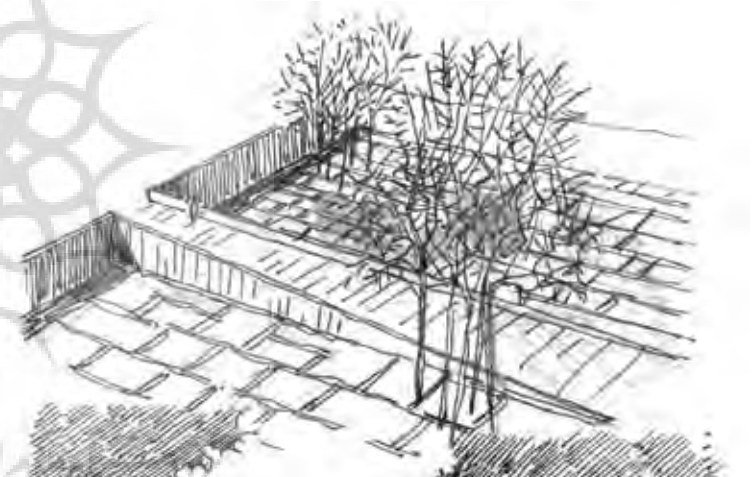
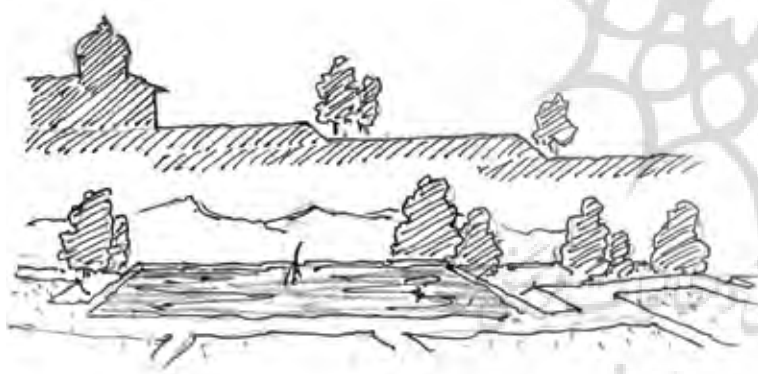
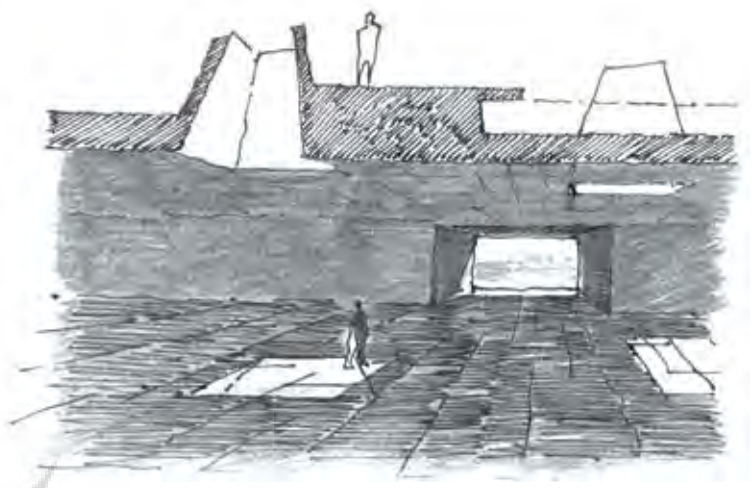
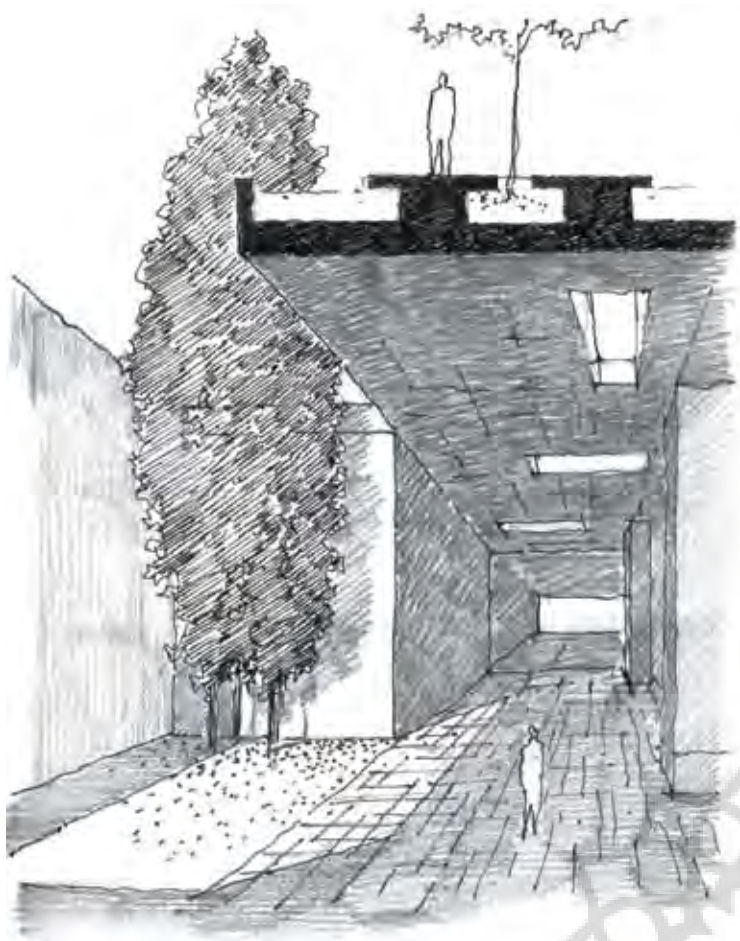
تصویر ۲: طراحی منظر
مسیر رسیدن به قلعه
اکوستا. دی. سیلوا. مأخذ:
شرکت PAOAP



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی







انسان
مركز علم انسان

تصویر ۳ : پلازای ملل،
دوشنبه، تاجیکستان مأخذ:
شرکت PAOAP



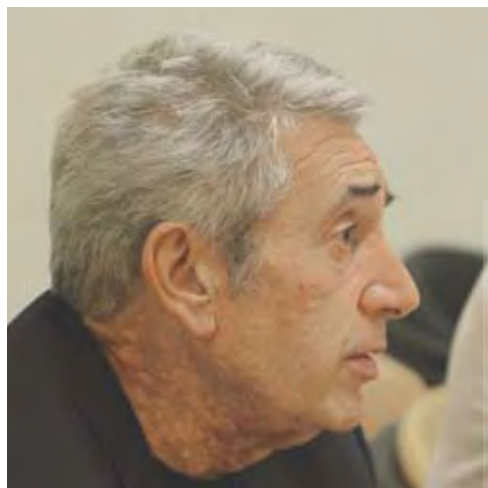
آینده را می‌سازد.

ورای آن، دقیقاً همین اتفاق برای منظر رخ می‌دهد که در آن مکانیسم‌هایی به ظاهر ناچیز، که به سختی به چشم می‌آید، منشأ نتایج بزرگ و مؤثر می‌شود... فرآیندهای منظر حتی اگر بسیار قدرتمند باشد، نیازی به دلایل کاملاً آشکار ندارد. یک حرکت کوچک و بی‌سر و صدا، ولی هر روزی و تشدیدشونده، که در طول دوره‌های بزرگ زمانی تکرار می‌شود، می‌تواند سرآغاز فرآیندهای منظرین فوق‌العاده و تولیداتی تحسین‌برانگیز باشد.

دوم سپتامبر ۲۰۱۱

Objets .۱

IFLA : Internatinal Federation of Landscape Architects .۲
City Life Park, Milan .۳



بدین معنی که برای محافظت کردن نباید صورت و ظاهر را «منجمد» کنیم، بلکه بیشتر باید نیروهای مؤثر را برای آنچه که می‌خواهیم محفوظ بماند، تقویت کنیم.



توضیح مختصری در مورد پروژه تقدیر شده «Encosta do Castelo de Silves» می‌دهید؟ سیاست‌های اصلی شما در این پروژه به عنوان یک سایت با ارزش تاریخی چه بود و چه جنبه‌هایی از سایت را مورد توجه قرار دادید؟ و چه جنبه‌هایی از پروژه مورد توجه منتقدان قرار گرفته است؟

من آن را یک پروژه تقدیر شده نمی‌خوانم. در واقع این پروژه رابطه‌ای با یک سایت تاریخی دارد و از یک نقطه نظر خاص، از آن محافظت می‌کند، ولی آنچه آن را قابل توجه می‌سازد رابطه آن با برنامه عجیب پروژه است: اولین مورد عجیب، به وجود آوردن یک دسترسی به در مخفی قصر است که باید پنهان شود و فقط به صورت اتفاقی آشکار شود. دومین مورد عجیب این است که ایده شکل دادن این دسترسی به عنوان یکی از دسترسی‌های مهم قصر در بازسازی داخلی ساختمان آن منعکس نمی‌شود، و این در، به صوت منفک از کارکردهای جدید داخل قصر، بسته باقی می‌ماند. به این ترتیب پروژه یک دسترسی آشکار را به دری که باید پنهان بماند اختصاص می‌دهد، از سوی دیگر این مسیر بی‌استفاده به نظر می‌رسد چون در باز نمی‌شود! روشی که پروژه برای طرح کلی این مسیر به کار گرفته است، خرد کردن آن به مجموعه‌ای از معابر در ترازهای جدا از هم است تا امکان تجربه‌هایی را در خود مسیر فراهم کند.



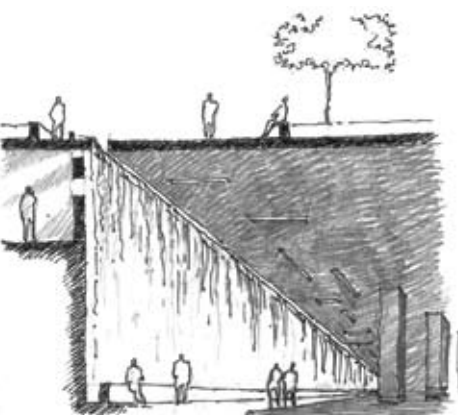
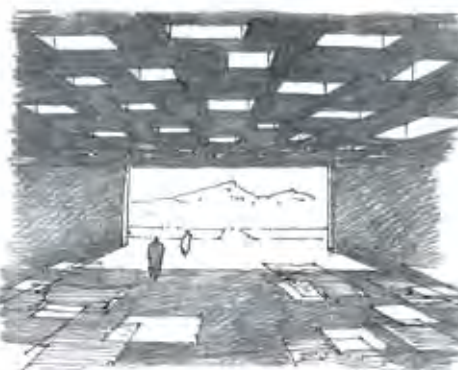
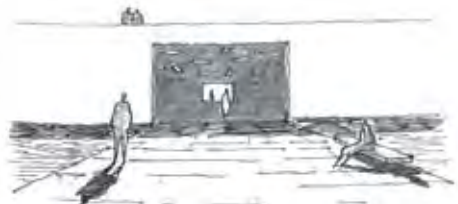
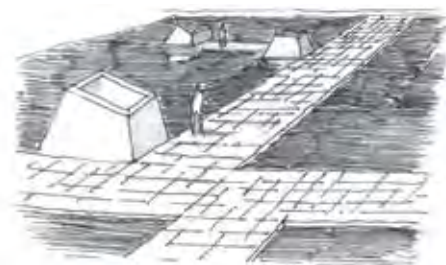
اخیراً پروژه‌ای در کشور تاجیکستان داشته‌اید. از فاکتورهای تأثیرگذار بر طراحی یک پروژه معماری منظر در این بخش از جهان و تفاوت آن با کشورهای غربی بگویید؟

من فکر می‌کنم تنوع پروژه‌هایی که ما در نقاط مختلف جهان داشته‌ایم همان قدر که به مسایل فرهنگی و ژئوفیزیک مربوط است به جنبه‌های انسانی نیز برمی‌گردد.

همانطور که بیشتر اشاره کردم، به عنوان مثال، در حالی که ایتالیا تفاوت فرهنگی زیادی با پرتغال ندارد، جایگاه منظر فرهنگی در سازوکارهای جامعه در آن به کلی متفاوت با پرتغال و همچنین اسپانیا است.

در مقابل، در کشورهای خاورمیانه رفتارها بسیار شبیه به آن چیزی است که ما انتظار داریم مثلاً در پرتغال ببینیم. من فکر می‌کنم که در مورد فرم، مسئله به تصادفها و اتفاق‌هایی مربوط می‌شود که در جریان انتقال فرهنگ در طول زمان پیش می‌آید. مثلاً در مورد پرتغال، این فرهنگ ریشه آلمانی دارد و به نوبه خود تأثیراتی از فرهنگ آمریکایی نیز پذیرفته است.

این انتقال تأثیرات از طریق پیش‌آمدهای تقریباً شخصی، علیت‌ها در زندگی جوامع، گروه‌های اجتماعی و مردم انجام می‌شود. مثلاً کسی که از طریق یک رابطه خانوادگی، با کشور خاصی تماس‌های بیشتر داشته باشد. من همیشه فکر کرده‌ام که روش نوشتن تاریخ بسیار شگفت‌انگیز است. تاریخ مکانیسم‌هایی که جهان را تغییر می‌دهند از خلال جریان‌های فروتن و ناچیز نوشته می‌شود و من معتقدم که معماری منظر جزئی از این مکانیسم‌هایی است که جهان





مجله علمی-تخصصی
پایه علمی
پایه علمی